



را اخذ و به نسل جدید منتقل کنیم. در جامعه ایران هر جایی متولی دارد به جز سیاست و سیاست‌ورزی. این بخش فقط فحش می‌خورد و کسی اعاده حیثیت نمی‌کند. فقط حاضرند به سیاست وارد شوند و سیاست‌ورزان را خانه‌نشین کنند و در نهایت می‌گویند سیاست‌بی‌پدر و مادر است. حالا مادر شرایطی هستیم که

و نیز جریان‌ها و احزاب و تشکل‌های مهم و اثرگذار تاریخ معاصر ایران فتح‌بابی داشته باشیم. در این بین به دنبال آن هستیم هزینه‌های مثبت تکرار شود و هزینه‌های منفی و آنچه هزینه‌بر است، تکرار نشود و راه کارمان هم گفت‌وگو است و در این بین برگزاری شب‌های خاطرات سیاسی با محوریت چهره‌های سیاسی که می‌توانند الگوی در عرصه سیاسی باشند مدنظر است. به قول مرحوم داود فیرحی: «ما بعد از مشروطه گرفتار دوره گذار قفل‌شده هستیم.» ایشان از دوره گذار قفل‌شده که ۱۰۰ سال از آن می‌گذرد گفته و ما باید تلاش کنیم که جامعه ایران از این دوره با کمترین هزینه عبور کند. آقای توسلی در کنار سیاست‌ورزی مسئولانه، اخلاقی‌مدارانه و صادقانه الگوی استمرار در سیاست‌ورزی نیز هست. ما افرادی عجول و ناشکیبا هستیم وقتی نتیجه به دست نیامد می‌گوییم ولش کنیم. صبر و استمرار در سیاست‌ورزی بسیار مهم است. ویژگی دیگر ایشان این است که سیاست‌ورزی او در چارچوب سازمان و تشکیلات سیاسی بوده است و سیاست‌ورزی منفرد نداشتند. به عبارتی این چنین افراد عمرشان را گذاشته‌اند تا نهادسازی کنند و این نهاد باقی بماند. در این برنامه‌ها به دنبال نگاه ایدئولوژیک نیستیم و فارغ از نگاه سیاسی در تلاشیم همه افراد چه ملی، چه مذهبی، چه ملی-مذهبی، چه چپ حتی مارکسیست را که صادقانه و خالصانه سیاست‌ورزی کرده‌اند و به‌زعم خود می‌خواستند باری از دوش کشور و مردم بردارند و کشور را به رستگاری و سعادت برسانند، در نظر داشته باشیم. ما چه با عقایدشان موافق باشیم و چه نباشیم و چه به نظرمان این راه درست است و چه غلط به خاطر تلاش‌شان می‌خواهیم که تجارب مثبت آنها

توسلی و نگاه او به شهر



احمد خرم

وزیر راه و ترابری دولت اصلاحات

من در دو زمینه اینجا سخن خواهم گفت. من آقای توسلی را در رابطه با افکار اجرایی خوب می‌شناسم. مدتی رئیس شورای عالی ترافیک شهرهای کشور بودم و سخنان ایشان و فعالیت ایشان در آن شورا موثر واقع می‌شد و تصمیمات خوبی گرفته می‌شد. اول اینکه اروپا و آمریکا به سمت آن می‌روند که «هر خودرو، هیچ پارکینگ» باشد. یعنی پارکینگ‌های عمومی را گسترش دادند تا مردم ماشین‌های خود را در آنجا بگذارند و با مترو و وسائل نقلیه عمومی استفاده کنند و رفت و آمد در طول هفته با این شرایط پیش می‌روند. یعنی کاربری‌های زیست محیطی برای آن در نظر می‌گیرند. ما باید به این سمت برویم. آقای توسلی اعتقاد داشت که الگوی «هر خودرو، یک پارکینگ» را باید تبدیل کنیم به «هر خودرو، هیچ پارکینگ»! باید تمام پارکینگ‌ها به اطراف شهر منتقل شوند و آن قدر کیفیت و ظرفیت سیستم انتقال مسافر از طریق مترو افزایش پیدا کند که مردم بتوانند به راحتی بدون مزاحمت امورشان را انجام دهند. وقتی شبکه ترابری به زیرزمین منتقل شود، همه این آلودگی از زیرزمین تصفیه شده و از این وضعیت آلودگی خلاص می‌شویم. اما رسیدن به این نقطه منوط به توسعه و تقویت خطوط مترو در کلان‌شهرهاست.

دوم، اگر فردوسی با شاهنامه‌اش می‌گوید: «عجم زنده کردم بدین پارسی» این نگرش مهندس توسلی نشأت‌گرفته از بینش انسان‌آرایی و ایرانی است. مرام‌آرایی را اینگونه باید توضیح داد: «بکوشید تا رتجها کم کنید/دل غمگنان شاد و بی‌غم کنید/ که گیتی فراوان نماند به کس/ بی‌آزاری و داد جویند و بس» و باید برای آن تلاش کنیم و به داد مردم برسیم.

میزگرد

در ادامه این جلسه میزگردی با حضور فاطمه راکعی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب و احمد حکیمی‌پور، دبیرکل حزب اراده ملت و نماینده پیشین مجلس، مهدی غنی، زندانی سیاسی پیش از انقلاب و مهدی معتمدی‌مهر، عضو دفتر سیاسی نهضت آزادی ایران برگزار شد که در آن مطالبات نسل جوان مطرح شد و از لزوم گفت‌وگو برای رسیدن به تفاهم در جامعه تاکید کردند.

غنی نخستین سخنران این بخش بود که خلاصه سخنانش این بود: «چرا نسل جوان امروز وانهاده شده و از ورود به سیاست و فعالیت‌های اجتماعی حذر دارد.» راکعی نیز در ادامه با اشاره به تجربه انجمن شاعران تاکید کرد: «باید زمینه گفت‌وگو و همکاری با نسل جوان محقق شود تا جلوی این انقطاع گرفته شود.» و احمد حکیمی‌پور هم توضیح داد: «این نشست یک طرح مسئله است که باید در جلسات دیگر ادامه یابد.»

بخش اصلی این میزگرد سخنان معتمدی‌مهر بود. او در این مراسم با اشاره به طرح مسئله انقطاع و انتقال تجربه گفت: «وقتی از انقطاع صحبت می‌شود باید پرسید کدام انقطاع؟ متأسفانه باید اقرار کرد که تجربه آزادی‌خواهی، اخلاق‌مداری و توسعه‌گرایی در جامعه سیاسی ایران دچار انقطاع و گسست‌های متناوب و متوالی

شنبه ۱۵ آذر ۱۴۰۴
 سال چهارم • شماره ۹۴۹

www.hammihanonline.ir



مجمع مدرسین در ادامه بیانیه خود با اشاره به ناسازگار بودن مطالب ارائه‌شده با مطالب فقهی تاکید کرد: «متأسفانه در روزهای اخیر شاهد برخی اظهارنظرهای شگفت‌آور و غیرقابل قبول از سوی بعضی از استادان بوده‌ایم؛ سخنانی که نه‌تنها با مبانی فقهی ناسازگار است، بلکه نزد اکثریت قریب به اتفاق اساتید و محققان نیز نامقبول می‌نماید. طرح چنین مطالبی می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری برای جامعه، به‌ویژه نسل جوان در پی داشته باشد. تجربه تاریخی نشان داده است که حربه طرد و تکفیر هرگز کارگر نبوده و در دنیای امروز پرارتباط نیز تأثیر منفی دارد. آیا روش تکفیرگران گذشته که به رونق تکفیرشدگان یا فرار نخبگان انجامیده، ثمربخش‌تر بود یا سعه‌صدر و بزرگواری عالمانی چون شیخ اعظم انصاری، میرزای بزرگ شیرازی، آیت‌الله حائری‌یزدی مؤسس حوزه و آیت‌الله بروجردی که با صبر و مدارا آثار ماندگار بر جای گذاشته‌اند؟ ای کاش آن استاد محترم، چنین خشمگینانه و ناشکیبانه از تکفیر، ارتداد و حکم قتل سخن نمی‌گفتند.» این مجمع در پایان بیانیه خود بار دیگر تأکید کرد با اعتقاد به ارزش آزادی بیان و مخالفت با هرگونه تنگ‌نظری، سخت‌گیری‌های نابجا را مغایر با مبانی مستحکم دین و روح شریعت می‌داند: «خبر و صلاح جامعه در آن است که افراد بتوانند اندیشه‌ها و آراء خود را آزادانه بیان کرده و درباره آن گفت‌وگو کنند و البته مسئولیت سخنان خود را نیز بپذیرند.»

هتاکي يك جنایت است

حامد کاشانی نیز در واکنش به اظهارات اخیر اردستانی گفت: «جامعه شیعه باید نسبت به بی‌حرمتی به ارکان فکری خود حساس باشد. دشمن بیرونی به دنبال این است که حساسیت ما را کمرنگ کنند. این شیوه که اکنون در پیش گرفته است که در فضای مجازی کامنت بگذارند و نسبت به اهل بیت فحاشی کنند به این دلیل است که چشم و گوش ما عادت کند.» وی ادامه داد: «جامعه باید به شدت حساس باشد و اول از همه خود ما باید حساس باشیم. اینجا جای این نیست که حرمت دست‌نیافتنی ائمه اطهار را کسی متزلزل کند. اگر کسی هتاکي کند باید بدانند با نقطه اوج حساسیت یک جامعه نباید دستکاری شود و این کار یک جنایت است.»

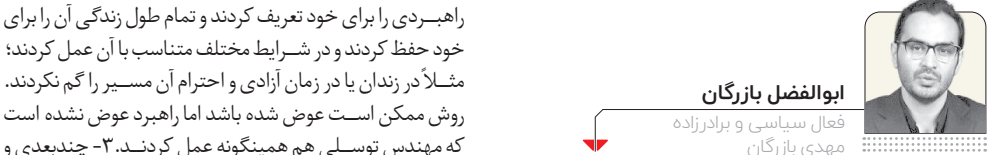
وی اضافه کرد: «در جایی که می‌دانیم در روزگار ما زمینی را فراهم می‌کنند که شما را هل بدهند و دچار لغزش کنند و از آن لغزش سوءاستفاده کنند که بگویند خروجی هیئتی‌ها را دیدید که فحاشی می‌کنند نمک‌شناسی است که از هیئت‌ها استفاده کنند و بعد بگویند خروجی آنها چنین است. در بیان نباید کاری کرد که مکتب اهل بیت به دلیل رفتار من اینگونه زیر سوال برود.» کاشانی با تاکید بر اینکه نباید با باطل دفاع کرد، گفت: «باید از حق دفاع کرد و نمی‌شود با خلاف شرع از حق دفاع کرد. مومن گاهی در این دنیا زخم زبان می‌خورد، تا اندکی بفهمد اهل بیت چه کشیده‌اند، اما از دایره حق خارج نمی‌شود. ما فعال‌سر سفره اهل‌بیت هستیم و انشالله خداوند ما را به سفره معاویه که در مسیر هتاکي است منتقل نکند.»

دشمن حضرت زهرا نیستم

اردستانی نیز به واکنش‌ها و انتقادات نسبت به صحبت‌های خود واکنش داد و گفت: «من هرگز دشمن زهراي مرتضیه سلام‌الله علیها نیستم بلکه افتخار این را دارم که ادعا کنم که دوستدار او هستم! باور من این است که مقام این شخصیت چنان بالا است که حتی شهادت در راه خدا نمی‌تواند به مقام او بیفزاید. او قله تسلیم را فتح کرده و همه چیز را با خدا معامله کرده است. اینجانب هیچ مقامی از این بانوی بزرگ را انکار نکرده‌ام. من صرفاً یک داستانی را که مداحان و روضه‌خوانان می‌گویند مورد تردید قرار داده‌ام و البته این صرفاً یک بحث علمی است که احتمال خطا در آن وجود دارد. اما آنچه مسلم است این است که ما با سخنان و اعمال خود به نام آن بانوی بزرگوار، دل حضرت ایشان را به‌در آوریم. آنچه عزیزان با احساسات پاک، و البته نیکه و نسنجیده، به زبان می‌آورند، نه برای بنده ضرر دارد و نه حتی ناراحت می‌کند. اما از این جهت غمگین می‌شوم که به نام زهرا(س) و آرمان او لطمه می‌زند! من اکنون از هیچ انسانی چه در این دنیا و چه در پیشگاه خداوند مهربان هیچ گله و شکایتی ندارم و از هیچ کس آزرد نشده‌ام که بخواهم کسی را ببخشم.»

اظهارات سخيفی مطرح شد

حزب مردم‌سالاری نیز در مخالفت با اظهارات اردستانی اینگونه بیانیه داد: «ضمن اعلام مخالفت با اظهارات سخیف آقای سلیمانی‌اردستانی که خلاف صریح مبانی و اعتقادات تشیع است؛ با هرگونه توهین، اقدام خشن، حمله به منزل، تکفیر یا انتقام‌جویی نسبت به شخص ایشان مخالفیم و چنین اقداماتی را خلاف سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام و منافی آزادی بیان و عقیده می‌دانیم.»



ابوالفضل بازرگان

فعال سیاسی و برادرزاده مهدی بازرگان

در اینجا من به دو موضوع اشاره می‌کنم؛ اول اینکه آقای مهندس توسلی تمام خدماتی که انجام داده با توجه به زندگی و مکتبی که در آن پرورش یافته، طبیعتاً انتظار نداشته که مورد توجه و تقدیر قرار گیرد. ایشان برای جلب رضایت خداوند چنین عمل کردند. منتهی از جهتی هم به گفته سعدی بزرگ: «عبادت به جز خدمت خلق نیست.» بنابراین ایشان وقتی ببینند خدمات‌شان به خلق مورد پذیرش و قدردانی قرار گرفته، اطمینان قلبی پیدا می‌کنند که رضایت خداوند هم جلب شده است. علاوه بر این، آنها که شاهد این بزرگداشت هستند این انگیزه ایجاد می‌شود که اگر این راه را ادامه دهند قطعاً مورد تشویق مردم و رضایت خداوند قرار می‌گیرند، پس این روند و راه بسط پیدا می‌کند. دوم اینکه، ما بیابیم و در این جلسات رمز و عوامل این موفقیت را بررسی کنیم تا آنها که علاقه‌مند هستند همین مسیر را ادامه دهند و آن را الگو قرار دهند. از کسی که در مکتب قرآن، مکتب اهل بیت و بزرگان نهضت آزادی رشد یافته باشد؛ می‌توان خود به خود انتظار داشت اخلاقی و منش و کاری که انجام داده است، بر اساس همان آموزه‌هایی باشد که در قرآن و سیره اهل بیت آمده است و بزرگان این تشکیلات نیز در پیش گرفته بودند. چند نمونه که به آن اشاره می‌کنم و در شخصیت آقای توسلی نیز هست: ۱- کنش‌هایی بر اساس اخلاق و فضیلت است. ۲- همه بزرگان نهضت آزادی و بزرگان دینی که در گذشته بودند این‌گونه عمل کردند که اول

در پایان نیز به مؤلفه‌هایی که یک شخص را تشکیل می‌دهد، اشاره می‌کنم: ۱- ارث و توارث؛ که در زندگی آقای توسلی بر اساس اینکه خانواده مذهبی بوده‌اند، شاهد آثار آن هستیم. ۲- آنچه که در اختیار فرد و متأثر از جامعه است، اراده شخصی است که مثلاً فرد از زمینه‌های قبلی بهره‌بررد و شخصیت خود را کامل کند یا نکند و آقای مهندس توسلی از جمله کسانی است که در مسیر تکامل و ارتقاء خود پیش رفته‌اند.

پدیده فرزندکشی و نادیده گرفتن نسل جوان از سوی نسل گذشته که در اسطوره تراژیک رستم و سهراب و روندهای غیردموکراتیک و تمامیت‌خواهانه سیاسی متبلور شده است و دوم، پدیده موسوم به خروج یا شورش پسران بر پدران که در دو برهه «جنش چریکی» و حتی در حرکت زن، زندگی، آزادی مشاهده شد. «معمدی‌مهر با تاکید بر آسیب‌شناسی شکست‌های پیاپی معاصر و درجاذگی سیاسی و تاریخی که جملگی ناشی از سنت مذموم «عبور» است که با عبور از مشروطه، عبور از مصدق، عبور از بازرگان، عبور از خاتمی و... می‌توان از آن نام برد، یادآوری کرد: «عبور از هاشمی و ردصلاحیت او در ۱۳۹۲، پیامد محتوم عبور از بازرگان و ردصلاحیت او در ۱۳۶۴ بود که در نهایت منجر به روی کار آمدن فردی مانند احمدی‌نژاد شد که نه رجل ملی و سیاسی بود و نه تعهدی به منافع ملی ایران داشت.» معتمدی‌مهر در خاتمه با تاکید به نقش تحزب و بر خور داری و تعهد به مفهومی که از آن به «گفتنمان» تعبیر می‌شود، به بررسی سنت فکری و سیاسی نهضت آزادی ایران پرداخت و توضیح داد: «مهندس توسلی الگویی موفق در روند انتقال تجربه سیاسی است و توانست که هم انتقال‌گیرنده تجربه سیاسی بازرگان باشد و هم، انتقال‌دهنده تجربه سیاسی به نسل بعدی.»

جامعه ما به انقطاع تجربه مبتلاست

شده است، اما تجربه فساد و اختلاس و اختناق و دروغ‌گویی و... نه‌تنها منقطع نشده بلکه استمرار و پیوستگی رشد داشته و فساد ساختاری، چپاول ساختاری و اختلاس ساختاری را به وجود آورده است.» معتمدی‌مهر در ادامه افزود: «در جامعه‌ای که به انقطاع تجربه مبتلاست، انباشت سرمایه‌ای به دست نمی‌آید و بدون انباشت سرمایه طبیعی است که توسعه محقق نشود. از سوی دیگر، امید و اعتماد دو عامل مهم و اساسی است که از یک سو، زمینه انتقال تجربه بین‌نسلی را فراهم می‌کند و از سوی دیگر، شاخص‌های اساسی سرمایه اجتماعی و پیش‌نیاز نیل به توسعه قلمداد می‌شود. در واقع، انقطاع روند انتقال تجربه سیاسی هم معلول توسعه‌نیافتگی و تداوم استبدادزدگی و حاکمیت استبداد است و هم عامل مولد آن. انتقال تجربه زمانی صورت می‌پذیرد که نسل گذشته و نسل جوان در کنار هم قرار گیرند، اما در جامعه توسعه‌نیافته و استبدادزده که در قرآن کریم با عنوان جامعه فرعونی تصویر می‌شود و دچار تفرقه، خودبزرگ‌بینی، بی‌عدالتی، بی‌اعتمادی و ناامیدی است، نسل گذشته به نسل جوان باور و اعتماد ندارد و نسل جوان هم نسل گذشته را قبول ندارد و یادآور شد که فرهنگ‌های استبدادزده دچار دو عارضه‌اند که در نهایت، مانع از این انتقال می‌شوند: نخست،